

تأملی درباره رابطه انسانی از راه اینترنت

دلیل اینکه چنین نشانه‌هایی اغلب باعث قضاوت‌های تحریف شده درباره افراد می‌شود، این است که ما از «نظریه‌های تلویحی شخصیت» استفاده می‌کنیم که بر کلیشه‌برداری تکیه دارند. میراندا فریکار، فیلسوف معاصر، به نمونه‌ی تخیلی جالب توجهی از این نوع فرآیند اشاره کرده است. در زمان «کشتن مرغ مقلد» که ماجرای آن در آلبامای آمریکا در دهه ۱۹۳۰ رخ داده، محاکمه مرد سیاه‌پوستی جریان دارد. هیئت منصفه‌ای تماماً سفیدپوست، حتی با وجود آنکه روشن است آن مرد حقیقت را می‌گوید، با اعتماد کامل شهادت او را قبول نمی‌کنند. نکته مهم این است که در آن فرهنگ و در آن زمان، سیاه‌پوست بودن به نحوی کاملاً اشتباه بیانگر فقدان اعتبار بود.

یافتن مثال‌های مشابه از زندگی واقعی در مورد کلیشه‌برداری آسان است. گفتنی است در مورد ارتباط از راه اینترنت، خصوصیتی که معیار قضاوت ما درباره افراد در دنیای غیر مجازی است، در دنیای مجازی اینترنت عمدتاً مشاهده‌ناپذیر هستند. طنز قضیه در این است که مشخصه ارتباط از راه اینترنت، فقدان رابطه چهره به چهره و نبود حضور جسمی است که فریبکاری و جعل

هویت آشکار را ممکن می‌کند و در عین حال، مانع گرایش به کلیشه‌برداری و هویت‌سازی می‌شود. البته نباید در مورد این نتیجه‌گیری مبالغه کرد. حتی در روابطی که کاملاً به واسطه کلمات نوشته شده است؛ مثلاً در گپ‌های اینترنتی، ما هنوز درباره افراد به داوریهایی دست می‌زنیم که فراتر از شواهد موجود است. اما به هر حال، این احتمال وجود دارد که در این نوع ارتباط‌های اینترنتی عمدتاً براساس محتوای واقعی ارتباط با یک شخص داوریهایی که با احتمال بیشتری بیانگر جنبه‌هایی از شخصیت افراد است؛ جنبه‌هایی که خودشان آنها را مهم می‌شمرند. پیامد این امر آن است که ما در ارتباط‌هایمان از راه اینترنت، بر جنبه‌هایی از شخصیت‌مان که به دیگران عرضه می‌کنیم، نظارت بیشتری را نسبت به ارتباط‌های روزمره خود اعمال می‌نماییم. به همین دلیل، در یک رابطه اینترنتی نگرانی بیشتری در مورد فریبکاری وجود دارد. اگر در ارتباط‌های online (بر روی شبکه) با جنبه‌هایی از شخصیت‌مان بتوانیم از اثرات بدتر گرایشمان به داوریهایی که براساس کلیشه‌های بی‌دلیل اجتناب کنیم، آنگاه امکان دارد ارتباط‌های ما از طریق اینترنت، دست کم در برخی جنبه‌ها، نسبت به اغلب ارتباط‌های روزمره که با حضور جسمی همراه است، کمتر مورد تحریف قرار گیرد و بیشتر «واقعی» باشد. ■

<http://www.itna.ir>

منبع:

بسیاری از فیلسوفانی که مطالبی در باره اینترنت نوشته‌اند، این بحث را به میان کشیده‌اند که ارتباط افراد از طریق اینترنت به شیوه‌های مختلف نسبت به انواع ارتباط‌های معمول و روزمره که با حضور جسمی افراد همراه است، حالتی تقلیل یافته دارد؛ برای مثال، «هیوبرت دریفوس» در کتابش به نام «در باب اینترنت» استدلال می‌کند:

«درک ما از واقعیت چیزها و افراد و توانایی ما در ارتباط مؤثر با آنها به شیوه‌ای که بدن ما به نحوی بی‌سر و صدا در پس‌زمینه عمل می‌کند ارتباط دارد. توانایی بدن ما در دستیابی به چیزها، فراهم آورنده درک ما از واقعیت کاری است که انجام می‌دهیم و آماده‌ایم که انجام دهیم... همه این امور را بدن ما آن قدر بی‌دردسر، فراگیر و موفق انجام می‌دهد که ما ندرتاً متوجه آن می‌شویم. به همین علت است که به سادگی بدین نتیجه‌گیری می‌رسیم که در فضای سبیرتیک می‌توانیم بدون حضور جسمی، ارتباط برقرار کنیم و در واقع، به همین علت است که امکان ارتباطی کامل از این نوع [در فضای مجازی اینترنت] ناممکن است.»

فهم اینکه چرا فیلسوفان این گونه مباحث را مطرح می‌کنند، آسان است. به نظر می‌رسد بسیاری از جنبه‌های ارتباط‌های شخصی ما به تماس چهره به چهره و مستقیم نیاز داشته باشد. دریفوس استدلال می‌کند که اعتماد به اشخاص دیگر تا حدی بر اساس این تجربه است که آنها از آسیب‌پذیری ما در یک موقعیت رودرو هنگامی که فرصت استفاده از آن وجود دارد، بهره نمی‌برند. حتی اگر این استدلال را نپذیریم، به نظر می‌آید که حقیقتی در این امر وجود دارد که ما می‌توانیم به حد معینی از اطمینان به افراد، هنگام دیدار مستقیم و شخصی با آنها دست یابیم که در روابط online (بر روی شبکه) حتی به صورت دیداری و شنیداری، در دسترس نیست. خاصه اینکه امکان فریبکاری آشکار در یک موقعیت رودرو به حداقل می‌رسد. همان طور که گوردون گراهام و بسیاری دیگر اشاره کرده‌اند، بر روی اینترنت به آسانی می‌توان افراد را با اختراع کردن شخصیت‌هایی کاملاً تخیلی فریب داد؛ امری که در دنیای غیر مجازی امکان آن بسیار مشکل‌تر است.

بنابراین، بدین دلیل و دلایل مشابه، روابط از طریق اینترنت نسبت به روابط واقعی و همراه با حضور جسمی، روابطی ضعیف هستند. اما پیش از نتیجه‌گیری نهایی باید اندکی دقت به خرج داد. یک دلیل برای احتیاط به خرج دادن در این امر آن است که روابط غیر مجازی یا واقعی در معرض انواعی از تحریف قرار دارند که عمدتاً در روابط اینترنتی وجود ندارد. یکی از این تحریف‌ها به مسئله جذابیت جسمی مربوط می‌شود. ما بر اساس ادراکمان از جذابیت جسمی افرادی استنباط‌های ناموجهی در باره افراد انجام می‌دهیم؛ به عنوان مثال، در پیامد آنچه روانشناسان «اثر مثبت هاله‌ای» می‌نامند، افرادی که از لحاظ جسمی جذاب‌تر هستند، با هوش‌تر، اخلاقی‌تر، سازگارتر، بهتر و کارآمدتر شمرده می‌شوند و البته تنها جذابیت جسمی نیست که بر قضاوت‌های ما در باره افراد تأثیر می‌گذارد؛ زیرا در خصوص قضاوت‌مان در مورد دیگران بر نشانه‌های بسیاری از جمله: سن، جنس، خصوصیات نژادی، سبک لباس پوشیدن، لهجه و طبقه اجتماعی متکی هستیم.

